

موضوع: «آثار مثبت و منفی تکاثر طلبی در آموزه های دینی»

فاطمه شکیبا^۱

چکیده:

انباشت ثروت و تکاثر طلبی از موضوعاتی است که در علوم مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قرآنی و.... قابل طرح و بررسی است که در این مقاله با رویکرد با رویکرد قرآنی و روایی به آن پرداخته شده است.

واژه ثروت معانی مختلفی دارد، پول از نشانه ها و دقیق ترین مظهر ثروت می باشد. ثروت همراه با رفاه و راحتی است، هیچکس از پول و ثروت متنفر نیست بلکه خواهان آن نیز می باشند، باور هر کس از پول به عوامل متعددی ارتباط دارد از جمله شیوه تربیت خانوادگی، نوع بینش انسانها به ثروت، معنویت، و..گاهی ثروت اندوزی از طریق نامشروع و حرام ایجاد میشود و افراد حریص که برای بدست آوردن ثروت و به تبع آن قدرت از انجام هیچ کار غیر انسانی ابا ندارند. این گونه رفتار ها، باور منفی نسبت به پول در انسان ایجاد می کند و امکان ثروتمند شدن از راه مشروع را غیر ممکن جلوه می دهد. ثروت فی حد نفسه بد و منفور نیست بلکه بستگی دارد به اینکه از چه راهی بدست می آید و در چه راهی خرج میشه. در آموزه های دینی حب به دنیا، دنیا طلبی، و دنیا زدگی امری مذموم است که سبب هلاکت انسان میگردد. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی بوده و جمع آوری مطالب به صورت متنی - کتابخانه ای است و هدف از آن ارتقاء سطح معرفتی مخاطبین می باشد که با آثار سوء تکاثر طلبی و انباشت ثروت آشنا شده و با پرهیز از آن، با ویژگی های زشتی مثل حرص، قساوت، طغیان و نافرمانی الهی در مسیر حیات طیب قرار گیرند. در این نوشتار با آثار مثبت و منفی ثروت اندوزی و نیز آیات و روایاتی که انسان را دعوت به خودسازی و تعادل در امور مادی دعوت می کند، آشنا شده و مسیر زندگی سالم که زندگی بر اساس اصول قرآنی، کسب در آمد حلال و استفاده بهینه از آن در راه عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و..... ترسیم میگردد.

کلید واژه: ثروت، انباشت ثروت، تکاثر، حب مال، آیات، روایات

^۱فاطمه شکیبا طلبه سال پنجم حوزه علمیه امام حسن مجتبی (ع) سال تحصیلی ۹۸-۹۹

مقدمه :

توانمندی مالی و ثروت به خودی خود و بالذات امری ناپسند نیست ، بلکه اگر در مسیر توسعه و به هدف تحقق عدالت اجتماعی بکار گرفته شود بسیار مفید و ضروری و حتی قدرت آور است اما اگر ثروت تبدیل به هدف در زندگی انسان شود ، در اینصورت عامل اصلی بسیاری از ناهنجاری های فردی ، اجتماعی و طغیان علیه خدا و مردم وسقوط انسان می گردد. لذا قرآن تکاثر طلبی و زیاده خواهی را مذموم و ناپسند دانسته ، فساد گردش ثروت در دست اقلیتی از توانگران جامعه ، علت اصلی محکومیت و مذموم بودن آن در آموزه های دینی است ، زیرا تکاثر ، اسراف ، تبذر در همین شیوه نادرست گردش ثروت در دست عده ای توانگر سبب هلاکت اقتصادی جامعه به نفع صاحبان زر و زور و تزویر میگردد. قرآن کریم آیاتی از خود را به فخر فروشی به زیادی مال و تعداد اولاد اختصاص داده است. تکاثر به معنای مسابقه دو طرف در فزونی مال و مقام و تفاخر به کثرت مناقب ، اموال و اولاد خود می باشد . قرآن با نکوهش ثروت اندوزی به مسلمانان دستور می دهد که اموال خود را در راه خدا و بهره گیری مردم به کار اندازند و از اندوختن و ذخیره کردن آنها پرهیزند

ضرورتی که باعث گردیده ما در پی این مقاله برویم وضعیت کنونی جامعه و ثروت اندوزی و مال دوستی برخی از ثروتمندان اطراف است که مدام در حال جمع کردن مال و ثروت خود هستند و با ثروت اندوزی تمام حواس خود را به این دنیای فانی داده اند و فکر دنیای آخرت خود نیستند . همه اینها موهوماتی است که نفس آدمی به آنها و یا به بعضی از آنها علاقه می بندد، اموری خیالی و زائل است، که برای انسان باقی نمی ماند، و هیچ یک از آنها برای انسان کمالی نفسانی و خیری حقیقی جلب نمی کند

ما با توجه به کتاب مکتب و نظام اقتصادی اسلام نوشته شهید مطهری که در رابطه با ثروت اندوزی در اسلام و مال و ثروت در اسلام ، حسن و قبح مال اندوزی و تکاثر طلبی را در این مقاله مورد بررسی قرار دادیم

ما در این مقاله محور هایی چون : آثار سو و پیامد های منفی دنیا طلبی و تکثر گرایی ، ثروت اندوزی مقدمه ی راه بی ایمانی است و ثروت اندوزی را از نظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار دادیم .

گفتار اول : آشنایی با واژه تکاثر و انباشت ثروت

۱-۱ معنای لغوی و اصطلاحی کلید واژگان :

تکاثر: هم به معنای مکاره و هم به معنای تفاخر کردن و رقابت کردن است همچنین «تکاثر» به معنای مسابقه و رقابت (و چشم و هم چشمی) در افزایش ثروت و عزّت است. قرآن با نکوهش ثروت اندوزی به مسلمانان دستور می دهد که اموال خود را در راه خدا و بهره گیری مردم به کار اندازند و از اندوختن و ذخیره کردن آنها بپرهیزند^۱.

معنی تَکَاثُرٌ: فخر فروشی جمعی در مورد زیادی مال و فرزند به یکدیگر (در اصل: خود را زیاده تر از واقعیت نشان دادن)

معنی ثروت اندوزی جمع آوری اموال از طرق و راه های نامشروع^۲

ثروت به کلیه مواد و اشیایی اطلاق می شود که حاجت های بشر را رفع می نمایند. این ثروت ها یا طبیعی هستند و مستقیم یا غیر مستقیم مورد استفاده واقع می شوند و یا تولید می گردند؛ یعنی به دست بشر، تغییر شکل یافته، مورد استفاده قرار می گیرند. در هم وجود دارد. دارایی به دو دسته «واقعی» و «غیر واقعی» تقسیم می شود.^۳

انباشت : عبارت از ذخیره کردن و روی هم گذاشتن

انباشت ثروت : عبارت است از جمع نمودن و متراکم ساختن و راکد کردن مواد معیشت و پول و هر موضوع موثر در حیات انسان که معلول هدف قرار دادن مالکیت در زندگی است ، با اینکه مالکیت از دیدگاه اسلام وسیله ای برای اداره معقول زندگی است^۴.

دانشنامه اسلامی چاپ سوم، ج ۵، ص ۱۳۳-- ۲-دانشنامه عمومی ص ۱۵۶

۳- درنبوش و استانلی فیشر، اقتصاد کلان، ترجمه تیزهوش تابان، ص ۲۰۹.

۴- التّمنیة الاقتصادیة، محمد محمدی ری شهری

۱- ثروت اندوزی در نگاه آیات قرآن

تکاثر و ثروت اندوزی کار بسیار بد و گناهی بزرگ است که خداوند همه انباشته هایش را در قیامت به عنوان ابزار عذاب قرار می دهد این کنز و انباشت ثروت از سوی همگان بد و از سوی عالمان و آخرت خواهان بدتر است . خداوند می فرماید : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ » ای کسانی که ایمان آورده اید ، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان ، اموال مردم را به ناروا میخورند ، و [آنان را] از راه خدا باز می دارند ، و کسانی که زر و سیم را گنجینه میکنند و آن را در را خدا هزینه نمی کنند ، ایشان را عذابی دردناک خبر ده .^(۱)

خداوند اموال را به عنوان ابزار آزمون و فتنه به آدمی می دهد . خداوند می فرماید : « إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ » اموال شما و فرزندان شما صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است .^۲

پس کسی که هم از آن اموال به میزان نیاز استفاده میکند و هم به دیگران انفاق می کند ، کسی است که از این آزمون الهی سربلند بیرون آمده است .

البته از نظر آموزه های وحیانی قرآن ، انسان حتی در قالب مالکیت اعتباری و اثبات مالکیت خصوصی ، مالک همه اموالی نمی شود که به هر شکل حلالی دزد اختیار او قرار می گیرد ؛ زیرا تنها مالک اعتباری بخشی از این اموال در قالب زکات ، خمس ، صدقات اصولاً مالکش دیگری است . این مطلب را خداوند به صراحت در آیات از قرآن چنین بیان می کند : « وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ » ؛ و در اموالش برای سائل و محروم حقی [معین] بود^۳

و نیز می فرماید : « وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ » ؛ و همانا که در اموالشان حقی معلوم است ، برای سائل و محروم^۴

۱-سوره توبه ، آیه ۳۴

۴-سوره معارج آیات ۲۴-

۲-سوره تغابن آیه ۱۵

۳-سوره ذاریات آیه ۱۹

گفتار دوم: آثار سوء و پیامدهای منفی دنیا طلبی و تکثر گرایی:

۱-۲: از آثار مخرب ثروت اندوزی در روح، رفتار و باور انسان های تکاثر طلب، بی ایمانی، قساوت قلب و فسق است.

قرآن می فرماید: «الَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَأَنْ نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۱

از موجبات قساوت قلب، دنبال ثروت رفتن است که در قرآن مجید و روایات بیان شده است و وجدان نیز شاهد بزرگتر است. ثروت اندوزی و همت انسان دنیا طلب، این است که یک میلیون او دو میلیون گردد. حد آخری هم ندارد که اگر به آن حد رسید بگوید بس است. مثل جهنم، به جهنم میگویند پر شدی؟ می گوید آیا باز هم هست؟ هنوز هم می خواهم^۲

اگر کسی در رشته ثروت اندوزی و زیاد کردن مال باشد، در خطی افتاده است که قساوت روی قساوت می آورد. روزی بر او نمی گذرد مگر اینکه پرده هایی به رویش می نشیند تا جایی که یک لحظه برای خدا دیگر دلش خاشع نمی شود. بلکه کار به جایی می رسد که نماز و روزه اش هم سطحی می شود. صد فریاد از ثروت مندی که کار را به کفر و الحاد می کشاند. به قدری قلدر می گردد که ایمانش هم از بین می رود. هر چند نماز هم بخواند از روی عادت است نه این که خودش را بنده و محتاج پروردگار بداند. چه بسیارند که نماز را نیز رها می کنند. هدف که مال شد مقدمه بی ایمانی آغاز می گردد.

غوطه ور شدن در مال دنیا، غفلت آور است و مقدمه بی ایمانی و قساوت قلب می شود.

از کلمات امیر المومنین است که: مال زیاد، دین را به باد فنا داده و اسباب غفلت و فراموشی دل را فراهم می سازد^۳

۱-سوره حدید آیه ۱۶ ۲-سوره ق آیه ۳۰ ۳-مستدرک الوسائل جلد ۱۲ ص ۹۲

پویایی و حیات جامعه در پرتو استقلال اقتصادی و ثروت مند بودن آن است. نیازمندی مساوی با اسارت و بردگی است. از این رو حضرت علی (ع) می‌فرماید: فقر و تنگدستی مرگ بزرگ تر است^۱ اسلام اجازه نمی‌دهد که غیر مسلمان بر مسلمان تسلط داشته باشد این هدف زمانی تامین می‌گردد که مسلمانان دست به سوی بی گانگان دراز نکنند و از استقلال اقتصادی برخوردار باشند. تولید ثروت سبب ساز این مقصود است. به قول شهید مطهری: «هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست»^۲

در اسلام اقسام گوناگون تولید ثروت، مانند کشاورزی، دام داری، صنعت و غیره توصیه شده است. این که پیامبر اسلام بر دستان پینه بسته ی کشاورز بوسه می‌زد، نشانگر اهمیت تولید در جامعه ی اسلامی است. با مراجعه به سیره ی معصومین (ع) در می‌یابیم که آنان نیز برای تولید ثروت می‌کوشیدند. روایت شده است که در آمد امیرالمؤمنین (ع) از محصولات کشاورزی چهل هزار دینار بود.^۳ در روایتی دیگر نقل شده است که در آمد فدک در یک سال بیست و چهار هزار دینار بود و در روایت دیگری هفتاد هزار دینار نقل کرده‌اند

۷-۴ ثروت اندوزی در اسلام

ثروت مند شدن اگر از راه‌های مشروع بوده باشد، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. شیوه ای که اسلام برای تعدیل ثروت می‌پذیرد جلوگیری افراد مستعد از رسیدن به ثروت های بالا نیست، بلکه برای آنها وظایف و تکالیف مالی مقرر می‌سازد^۴ قرآن ثروت مندانی چون حضرت سلیمان و حضرت داوود و ذو القرنین را نام می‌برد که اهل ایمان بودند و در مقابل از ثروت مندان کافری چون قارون نیز یاد می‌کند. در قرآن می‌خوانیم: افزون طلبی شما را به خود^۵ مشغول داشته و از خدا غافل نموده است، تا آن جا که برای شمردن مردگان به زیارت قبور رفتید ثروت اندوزی اگر انسان را از یاد خدا غافل کند، مذموم است و در اسلام از آن نهی شده است. دل بستن به ثروت و ایثار دنیا بر آخرت صحیح نیست

نساء، ۱۴۱، و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا/ ۲- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۲۸۹ 1

۳- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۸، ص ۱۳۷

۴- ر. ک: هادوی تهرانی، همان، ص ۷۴

۵- تکاثر، ۲۱ و ۲، الهاکم التکاثر حتی زرم المقابر

ولی اگر این ثروت فراوان در راه خدا مصرف شود، بسیار پسندیده و قابل ستایش می‌باشد که حضرت خدیجه (س) از این گونه ثروت مندان بود که ثروت خود را برای پیشرفت اسلام و گسترش آن مصرف کرد.

قرآن نیز کسانی را که ثروت اندوزی می‌کنند و آن را در راه خدا مصرف نمی‌نمایند به عذاب دردناک بشارت می‌دهد^۱ در ذیل همین آیه رسول خدا (ص) می‌فرماید: هر مالی که زکات آن پرداخت شود، مشمول این آیه نی

اگر انباشت ثروت از طرق شرعی باشد و عنوان احتکار پیدا نکند و تکالیف مالی آن مانند زکات خمس مراعات شود ، هیچ اشکالی ندارد.^۲

توبه، ۳۴، و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم. ۱ -
 -وسائل الشیعة، ج ۹ ص ۳۰» کل مال یؤدی زکاته فلیس بکنز» ۲-.

-بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۷» الدینار داء الدین و العالم طبیب الدین فاذا رأیتم الطبیب یجر الداء الی نفسه فانهموه و اعلموا انه غیر ناصح لغيره

نتیجه‌گیری

آنچه از آیات و روایات و نظریات اقتصادی فهمیده می‌شود، اینکه جمع کردن مال و ثروت و هر روز بر آن افزودن، مورد قبول هیچ کدام از دو نظریه اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی نیست؛ بلکه باید از راه صحیح، درآمد کسب نمود، به اندازه کفاف، مصرف کرد، و مازاد آن را بعد از ادای حقوق آن، در مسیر سرمایه‌گذاری و یا کمک کردن به نیازمندان خرج نمود که البته راه اول در بسیاری از موارد و شرایط، صحیح تر به نظر می‌رسد؛ چون هم تولید را افزایش می‌دهد، هم بیکاری را کم می‌کند و هم انگیزه تولید کالاهای دیگر را فزونی می‌بخشد.

حسن ختام این نوشتار، سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود: جمع کردن مال، پنج ویژگی دارد و جمع نکردن آن هم پنج ویژگی دیگر.

اما ویژگی‌های دل‌نبتن به مال و ثروت:

۱. راحتی انسان؛ ۲. فراغت داشتن برای ذکر خدا؛ ۳. ایمن بودن از سارق و سرقت؛ ۴. برگزیدن اسم «کریم» برای خود؛ ۵. همنشینی با صالحان و خوبان .

بنابر این اگر بر اساس آموزه ها و توصیه های بزرگان دینی و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام ثروت حلال بدست آورد و در راه درست و معقول و مشروع خرج شود آثار مثبت فراوانی مثل رشد و آبادانی و توسعه در امور اقتصادی و عدالت اجتماعی خواهد داشت ولی اگر بر اساس هوای نفس و وسوسه های شیطان به تکاثر طلبی و زیاده خواهی افتاد، دچار ثار منفی ثروت مثل رذایل اخلاقی حرص و خود فراموشی و خدا فراموشی و هلاکت در آخرت و خسران ابدی خواهد بود

۱- صحیح محمدابن مسلم جلد ۴ ص ۲۲۷۳

فهرست منابع

۲. مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲ هـ ق. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه (مجموعه)
۳. کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش ..
۴. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق.
۵. حکیمی، محمد رضا، محمد و علی حکیمی، الحیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش ..
۶. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۴ هـ ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، مرتضوی، تهران، چاپ ۱، ۱۳۶۹ هـ ش ..
۸. زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۲۱ هـ ق.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، هجرت، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق
۱۰. .. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۱. شیخ کلینی، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ ۵، ۱۳۷۴ هـ ش ..
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بی جا .. فیروزآبادی، مجدالدین
۱۴. محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق ..
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ هـ ش
۱۶. اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «نیم نگاهی به ثروت
۱۷. گنجینه معارف منبع : حوزه نت
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن،

۱۹. دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگرفته از مقاله «قرآن و ثروت‌های باد آورده».»
۲۰. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمرو دین «کرامت انسان»،